

مفهوم و قلمرو مسئولیت مدنی داوران

همایون مافی*

سیدحسین حسینی مقدم**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۸

چکیده

در اکثر نظام‌های حقوقی «نهاد داوری»، در کنار دستگاه قضایی، از مراجع رسیدگی به دعاوی شناخته شده است. در برخی کشورها قضاات در مقام رسیدگی به دعاوی به طور مطلق یا محدود، مسئولیتی برای جبران خسارت وارده به طرفین دعوا ندارند. در حقوق ما نیز قضاات تحت شرایط خاصی وفق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، اگر در راستای رسیدگی موجب ورود ضرر به اصحاب دعوا شوند و منشا ورود ضرر اشتباه یا قصور قاضی باشد، مسئولیتی برای جبران خسارات وارده نخواهند داشت. بدیهی است چنانچه علت ورود ضرر، تقصیر عمدی توأم با قصد یا علم و آگاهی قاضی در ورود ضرر باشد، بی‌گمان مسئولیت مدنی بر او تحمیل خواهد شد. حال آیا داوران که همانند قضاات در مقام رسیدگی به دعاوی برمی‌آیند، نیز از امتیاز اصل ۱۷۱ قانون اساسی برخوردار می‌باشند و یا بالعکس، داوران به هر شکل مسئول جبران خسارت وارده بر طرفین دعوا می‌باشند؟

در مقاله‌ی حاضر، این موضوع را بررسی خواهیم کرد که آیا داوران به واسطه‌ی ضرر وارده به اصحاب دعوا مسئولیت مدنی خواهند داشت؟ و آیا از امتیاز اصل ۱۷۱ قانون اساسی بهره‌مند نمی‌باشند؟ کوتاه آن که مفهوم و قلمرو مسئولیت داوران، دارای جنبه‌ی خاصی بوده و دامنه‌ی آنان، متفاوت از آن چیزی است که در قواعد عام مسئولیت مدنی بیان می‌گردد.

کلیدواژگان: داوران، مسئولیت مدنی، تقصیر، ضرر، دعوا.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). hmynmافی@yahoo.com
** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران و عضو هیات علمی دانشگاه غیر انتفاعی شمال.

مقدمه

«داوری» از نهادهای غیر دولتی برای رسیدگی به دعاوی است. سرعت در رسیدگی، هزینه‌ی کم، تخصص داوران، و اعتماد طرفین دعوا به داوران منتخب خود، از جمله امتیازهای این نهاد دانسته شده است.^۱ اشخاص حقوقی حقوق خصوصی از نهاد داوری، استقبال شگرفی نشان می‌دهند. به تایید برخی نویسندگان «در بازرگانی بین‌المللی، داوری شیوه‌ی عادی حل و فصل اختلافات شده است».^۲ از این جهت به دلیل تخصص داوران در موضوعات خاص، طرفین دعوا نیز ترجیح می‌دهند به داوران آشنا به موضوع، برای پایان بخشیدن به اختلافات خویش مراجعه نمایند تا این که دعوا را در دادگاه طرح نمایند. از جهت جایگاه داوری در حقوق ایران همین اندازه کافی است که، به موجب قانون نادیده گرفتن شرط داوری و رجوع به دادگاه منجر به صدور قرار عدم استماع دعوا از سوی دادگاه خواهد شد.^۳

بی‌گمان در روند داوری، ممکن است خساراتی به واسطه‌ی تقصیر یا قصور و اشتباه داوران به اصحاب دعوا وارد آید؛ چگونگی جبران این ضررها، موضوعی مهم و قابل بحث می‌باشد. از یک سو به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی، در مواردی که ضرر حادث ناشی از اشتباه و قصور قاضی باشد، وی مسئول نبوده و جبران خسارت وارده بر عهده‌ی دولت است. همین مضمون، در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سابق مورد تایید واقع و قاضی تنها در صورت ورود خسارت از روی عمد و تقصیر مسئول شناخته شده بود. در ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این مهم مورد توجه قرار گرفته است. در شق آخر این ماده می‌خوانیم: «... در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده‌ی حکم قطعی وی ضامن است...». از سوی دیگر ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، داوران را به واسطه‌ی تدلیس، تقلب و تقصیر در انجام وظیفه‌ای که منتهی به ورود ضرر مالی به طرفین دعوا گردد مسئول دانسته است. قانون‌گذار در این ماده تفاوتی بین قصور و اشتباه با تقصیر قائل نشده است؛ در نتیجه تمایلی برای معافیت داوران نشان

^۱ صفایی، سیدحسین، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۹۰.

^۲ شمس، عبدالله، «موافقت‌نامه داوری و صلاحیت دادگاه»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

^۳ همان، ص ۱۸.

نداده و به ظاهر تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت داوران مورد پذیرش قرار داده است. این در حالی است که مستفاد از همین ماده، قصور و اشتباه داوران مسئولیت‌زا نیست بلکه آنچه موجب مسئولیت داوران است تقصیر آنان به معنای دقیق کلمه می‌باشد. این معیار در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به عنوان قاعده‌ی عام و یا نظریه‌ی تقصیر^۱، شناخته شده است. ظاهراً از نظر مبنا، تفاوتی میان مسئولیت مدنی داوران با سایر اقداماتی که در قالب وقایع حقوقی محقق می‌گردد و در نتیجه منتهی به ضرر و ایجاد مسئولیت مدنی می‌شود، در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که به مسئولیت داوران باید نگاه دیگری داشت؛ به عبارتی تقصیر آن‌ها، نوعی تقصیر شغلی و حرفه‌ای است و بر اساس همین حرفه‌ی خاص، تقصیر در داوری باید تعبیر ویژه‌ای یابد تا در این رهگذر از مفهوم تقصیر در قواعد کلی و عام مسئولیت مدنی متمایز شود. نتیجه‌ی این تمییز آن است که داوران به اعتبار صدور نظریه یا رای خویش که در مقام اعمال وظیفه و اجرای مقررات هستند، مسئولیتی نخواهند داشت. بنابر این، همان‌طور که در برخی نظام‌های حقوقی مانند کامن‌لا، داوران تا حدودی مانند قضات از مصونیت برخوردارند^۲، در حقوق ما مشابه قضات، داوران نیز نباید بر اساس ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م. به طور مطلق دارای مسئولیت مدنی باشند. با این توضیح که برای مسئول دانستن داوران در برابر خسارات وارده باید شرایط خاصی وجود داشته باشد؛ برخی از این شرایط مربوط به قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشد، مانند ورود ضرر، و برخی دیگر معطوف به وضعیت شغلی داوران است، مانند این که تقصیر عمدی باشد و داور خارج از وظایف خویش اقدام نموده باشد. در حقوق ایران چون داوران از مصونیت مدنی برخوردار نیستند، مفهوم، مبانی، شرایط و مصادیق مسئولیت مدنی آنان دارای وضعیت خاص بوده و باید از منظر دیگر به این موضوع نگریست. پس باید از تعمیم مسئولیت مدنی به تمام اقدامات داور، که منتهی به ضرر طرفین دعوا، به طور مطلق می‌گردد خودداری کرد. این نگاه خاص به مسئولیت مدنی داوران سبب می‌شود انگیزه‌ی اشخاص برای قبول داوری افزایش یافته و استفاده از این نهاد نسبتاً نوپا گسترش یابد.

^۱ امیری قائم‌مقام، عبدالمجید، کلیات حقوق تعهدات، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹.

^۲ هاوس مینیچر، کریستین، «مسئولیت مدنی داوران»، ترجمه محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران: ناشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۵ و ۱۴، ۱۳۷۰، ص ۲۴۵.

مبحث اول: مفهوم و مبانی مسئولیت مدنی داوران

در برخی موارد اقدامات داوران منجر به خسارت اصحاب دعوا می‌گردد و از همین رو به اعتبار ضرر وارده، داوران مسئولیت مدنی خواهند داشت. شناسایی مفهوم و مبانی این مسئولیت بسیار مهم است. به ویژه، این که مبانی مسئولیت داوران تقصیر در ارتکاب فعل زیان‌بار است یا عدم انجام تعهدات ناشی از قرارداد داوری، امری ضروری است، زیرا در فرضی که مسئولیت مدنی داوران از جهت مفهوم و مبانی دارای وضعیتی متفاوت از قواعد عام مسئولیت مدنی باشد، به تبع آن دامنه و قلمرو مسئولیت داوران نیز متفاوت خواهد بود.

گفتار اول: مفهوم مسئولیت مدنی داوران

مسئولیت مدنی در قوانین موضوعه‌ی ایران تعریف نشده است. از نظر لغوی مراد از مسئولیت همان پاسخ‌گو بودن شخص می‌باشد؛ از حیث حقوقی نیز می‌توان گفت، لزوم جبران خسارت وارده به دیگری به حکم قانون توسط عامل ورود ضرر، در بیشتر تعاریف مشهود و مورد پذیرش می‌باشد.^۱ در واقع هنگامی که شخص باعث خسارت دیگری می‌شود، قواعد عام مسئولیت مدنی حکم می‌نمایند ضرر جبران‌نشده باقی نماند و تمام آن جبران گردد. برخی نویسندگان عقیده دارند به حکم قاعده‌ی لاضرر، مردم از اضرار به یکدیگر منع شده و در صورت ورود ضرر نیز ملزم به جبران آن می‌باشند.^۲ بنابر این، اهمیت جبران خسارت وارده از سوی شخص به دیگری، نه تنها مورد تاکید قانون‌گذار است، بلکه از جهت اخلاقی و وجدانی نیز حائز اهمیت می‌باشد؛ تا آن‌جا که برخی اساتید لزوم این نوع از جبران خسارت را قاعده‌ای طبیعی تلقی می‌نمایند.^۳

مفهوم مسئولیت مدنی داوران نیز چیزی جز همان لزوم جبران خسارت وارده بر اصحاب دعوا، توسط داوران خاطی نیست؛ اما از جنبه‌ی دیگر، این لزوم جبران خسارت محدود به

^۱ قاسم‌زاده، مرتضی، مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۱۹؛ باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۲؛ بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۳۲.

^۲ یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۹۳.

^۳ کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم، ۱۳۹۰، ص ۳۴.

مصادیق متعارف ائتلاف یا تسبیب نمی‌باشد، زیرا در این موارد افراد جامعه به حکم قانون، متعهد به رعایت حقوق دیگران و عدم اضرار به غیر می‌باشند و داوران نیز همانند اشخاص دیگر دارای تکلیف این چنینی می‌باشند. لزوم جبران خسارت شامل خسارات ناشی از عدم رسیدگی داوران به دعوی و تاخیر در صدور رای خواهد بود. این موارد تعهدات قراردادی داوران محسوب می‌گردند که نقض آن اعم از عدم رسیدگی یا تاخیر در آن برای داوران مسئولیت‌آور خواهد بود. ماهیت این مسئولیت، در زمره‌ی مسئولیت قراردادی به شمار می‌آید، زیرا داوران با قبول داوری متعهد گردیده‌اند نتیجه‌ی رسیدگی خویش را در قالب رای و در موعد مقرر اعلام و ابلاغ نمایند. به‌رغم آن که ماهیت مسئولیت داوران می‌تواند قراردادی باشد، اما ضمانت اجرای آن در قالب مسئولیت ناشی از نقض قرارداد اعم از اجبار به اجرای عین قرارداد، فسخ و یا مطالبه‌ی وجه التزام خاص قرار نمی‌گیرد. قانون‌گذار در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی برای داورانی که از به واسطه‌ی تقصیر به اصحاب دعوا ضرری تحمیل می‌کنند، ضمانت اجرا پیش‌بینی نموده و آنان را مکلف به جبران خسارت دانسته است. بنابر این، عدم انجام وظیفه‌ی داوری، بی‌آن‌که نیاز به اثبات تقصیر از سوی متعهدله باشد، به‌زعم برخی از نویسندگان پیمان‌شکنی محسوب و مسئولیت قراردادی در پی خواهد داشت^۱ نتیجتاً در مسئولیت قراردادی هرچند متعهد ملزم به جبران خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد می‌باشد، لیکن دیگر اثبات تقصیر متعهد شرط نیست. این در حالی است که در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی ورود ضرر توأم با تقصیر داور، برای جبران خسارت شرط می‌باشد. همچنین در این ماده تدلیس یا تقلبی که سبب ورود ضرر به اصحاب دعوا شود، برای داوران مسئولیت‌آور است. این در حالی است که تقلب یا تدلیس از عناوین مسئولیت مدنی در حقوق ما نیستند؛ بلکه اعمالی قلمداد می‌گردند که تا حدودی جنبه‌ی کیفری داشته و عاملی برای ورود ضرر باشند. از این جهت، آثار مسئولیت مدنی یعنی جبران خسارات به تبع آن به بار خواهد آمد. بنابر این، مفهوم مسئولیت مدنی داوران دارای اطلاق بوده و قابل تعمیم و تسری به مسئولیت ناشی از نقض تعهدات قراردادی داوران یا سایر اعمال سبب ورود خسارت، اعم از تقلب و تدلیس هم می‌گردد و تمام مصادیق ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م. و نیز خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی داوران را دربر خواهد گرفت.

^۱ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - اعمال حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴.

گفتار دوم: مبنای مسئولیت مدنی داوران

از لحاظ نظری، مسئولیت مدنی ممکن است مبتنی بر نظریه‌ی تقصیر، خطر، تضمین حقوق یا ترکیبی از تقصیر و خطر باشد. نویسندگان به تفصیل به این نظریات پرداخته‌اند.^۱ قانون‌گذار در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹، تحت تاثیر نظریه‌ی تقصیر بوده است؛ زیرا به‌زعم برخی «اگر نتوان گفت تقصیر هنوز مهم‌ترین مبنای مسئولیت مدنی است دست‌کم یکی از دو بال آن است».^۲ در حقوق ما مسئولیت بدون تقصیر و مبتنی بر سایر نظریه‌ها هم مصادیقی دارد؛ مانند مسئولیت غاصب در ماده ۳۱۵ قانون مدنی، مسئولیت متصدی حمل‌ونقل در ماده ۳۸۶ قانون تجارت، و مسئولیت تلف‌کننده مال در ماده ۳۲۸ قانون مدنی. باوجود آن که نظریه‌ی تقصیر در حقوق ما از اهمیت خاصی برخوردار است ولی از انتقاد مصون نمانده است.^۳ اگر قائل بر آن باشیم که از هر حیث مسئولیت مدنی در حقوق ما مبتنی بر نظریه‌ی تقصیر است، به علت پاسخ‌گو نبودن در برخی زمینه‌ها، مانند حوادث رانندگی یا خطای پزشکی، انتقاد و ایراد به این نظریه وارد می‌باشد. بر اساس نظریه‌ی تقصیر شخص در صورتی مسئول است که مرتکب تقصیر شده باشد. بنابر این، لازم است نوعی رابطه‌ی علیت بین ضرر حادث و تقصیر وجود داشته باشد تا بتوان شخص را مکلف به جبران خسارت ساخت. پس مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته نیست و به تعبیری اگر شخص بدون تقصیر محکوم شود مانند محکوم نمودن شخص بی‌گناه می‌باشد.^۴ این امر از نظر اخلاق نیز پذیرفته نیست؛ بر همین اساس نویسندگان بزرگی چون ریپر معتقدند: «... انسان نبایستی ناشایسته رفتار کند و زمانی ناشایسته عمل می‌کند که برای دیگری زبانی به بار آورد که می‌توانسته پیش‌بینی کند و از آن بپرهیزد یا از آن بکاهد. پس باید گفت چون بد کرد، باید آن را جبران سازد».^۵ قانون‌گذار برای تعیین مبنای مسئولیت مدنی داوران، در ماده ۵۰۱

۱. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۶۸، ص ۳۹۰؛ کاتوزیان، مسئولیت مدنی، ص ۱۷۱؛ داراب‌پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۹.

۲. بادینی پیشین، ص ۱۵۳.

۳. کاتوزیان، پیشین، ص ۲۰۱.

۴. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۶۷.

۵. کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷۲.

قانون آیین دادرسی مدنی واژه‌ی «تقصیر» را به کار برده است. این ماده اشعار می‌دارد: «هرگاه در اثر تدلیس، تقلب، یا تقصیر در انجام وظیفه‌ی داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد داوران برابر موازین قانونی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود». استفاد از فحوای این ماده به ویژه قسمت اخیر آن که تاکید نموده داوران برابر موازین قانونی مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، مسئولیت آن‌ها برای جبران خسارت وارده، صرفاً مبتنی بر ارتکاب تقصیر است. به‌رغم آن که برخی از تعهدات داور بر اساس موافقت‌نامه‌ی داوری تعیین و توسط او پذیرفته می‌شود، نمی‌توان مبنای مسئولیت داور را قرارداد دانست، زیرا در ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی ضمانت اجرای امتناع داور از دادن رای، یا استعفا بدون عذر، علاوه بر جبران خسارات، محرومیت از انتخاب به عنوان داور برای مدت ۵ سال تعیین شده است. در ماده ۴۷۴ همان قانون نیز به دادگاه اجازه‌ی انتخاب داور جایگزین برای داور مستعفی یا ممتنع داده شده است. از این جهت، ضمانت اجرای قراردادی مانند الزام به اجبار داور یا تعیین جریمه جهت وادار ساختن او به صدور رای که در قلمرو حقوق مدنی وجود دارد، در این جا پیش‌بینی نشده است.

بنابر این، ملاک و معیار مسئولیت مدنی در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی تقصیر است و لذا اگر داوران در مقام رسیدگی به دعوا، از اجرای وظایفشان تخطی کنند و مرتکب تقصیر شوند، موجب و مبنای مسئولیت مدنی آن‌ها در برابر طرف یا طرفین دعوا و الزام به جبران خسارات وارده تقصیر خواهد بود. برخی نویسندگان با استناد به اصل ۱۷۱ قانون اساسی معتقدند مبنای مسئولیت قضات بر تقصیر استوار است؛^۱ و برخی دیگر مبنای مسئولیت قضات را مبتنی بر قاعده‌ی لا ضرر می‌دانند.^۲ لیکن مفهوم این تقصیر را باید متفاوت از مفهوم آن در مواد ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی دانست، زیرا آن‌چه به عنوان مفهوم تقصیر و مصادیق آن از مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی برمی‌آید، تفاوتی بین عمد و غیر عمد قائل نشده است.

ماده ۹۵۲ ق.م. مقرر می‌دارد: تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. بر همین اساس برخی از حقوق‌دانان تقصیر را همانند

^۱ ابهری، حمید؛ نوروزی ناصر، مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۵۷.

^۲ جلیوند، یحیی، مسئولیت مدنی قضات و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا، تهران: نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۴۷.

قانون گذار اعم از تعدی و تفریط و معنای دیگر آن را تخطی می‌دانند و تخطی را در مبنای صحیح آن، به عمدی و غیر عمدی قابل اطلاق می‌دانند.^۱ سایر نویسندگان نیز همین دسته‌بندی و یا دسته‌بندی تقصیر به سبک یا سنگین را پذیرفته‌اند.^۲

مبحث دوم: قلمرو مسئولیت مدنی داوران

ممکن است داوران در مقام رسیدگی به دعاوی موضوع موافقت‌نامه‌ی داوری اقدامی کنند که موجب ورود خسارت به طرفین اختلاف شود. در این صورت این که عمل انجام شده، می‌تواند موجب مسئولیت داوران باشد یا هیچ‌گونه مسئولیتی نمی‌توان برای داوران قائل شد، مستلزم شناسایی محدوده و تعیین مصادیق یا همان تبیین قلمرو مسئولیت مدنی داوران خواهد بود. از این جهت، باید معیارهایی که به عنوان شرایط تحقق مسئولیت داوران تلقی می‌گردند مورد بررسی واقع شوند تا با تجمیع این شرایط، امکان تمییز فعل زیان‌بار داوران فراهم آید. این شرایط در برخی قسمت‌ها با آنچه ارکان مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد، مرتبط می‌باشد؛ زیرا در بحث حاضر وجود ارکان عمومی مسئولیت مدنی مفروض دانسته شده است. ولی به جهت وضعیت خاص مسئولیت مدنی داوران، شرایط مورد نظر نیز به طور ویژه برای همین نوع از مسئولیت مدنی بیان می‌گردد. پیش از ورود به شرایط مسئولیت مدنی داوران، نخست مسأله‌ی مصونیت داوران مورد بحث واقع می‌شود تا جایگاه این موضوع و تطبیق آن با وضعیت قضات بررسی شود و محرز گردد آیا داوران می‌توانند دارای مصونیت باشند یا خیر؟ در فرض دارا بودن مصونیت، موضوع مسئولیت مدنی داوران منتفی خواهد بود. در نهایت مصادیق مهم مسئولیت مدنی داوران را بیان خواهیم داشت.

گفتار اول: مصونیت داوران از تحمل مسئولیت مدنی

ممکن است به جهت اهمیت وظیفه‌ی داوران در رسیدگی به دعاوی و فصل خصومت، این تردید به میان آید که آیا در برابر ادعای ضرر اصحاب دعوا، نباید داوران معاف از مسئولیت تلقی و

^۱ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۸۷۶.

^۲ کاتوزیان، پیشین، ص ۳۶۸؛ قاسم‌زاده، پیشین، ص ۱۱۶؛ داراب‌پور، پیشین، ص ۱۴۵.

دارای مصونیت باشند؟ چالش‌های مطرح شده در خصوص مسئولیت داوران تا حددی از دکتربین مصونیت قضا و اغلب از این که آیا اعمال آن‌ها با آن‌چه قضا انجام می‌دهند قابل مقایسه هست یا خیر سرچشمه می‌گیرد.^۱

جایگاه و ارزش نهاد داوری در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی بیان گردیده است؛ به طوری که داوران منتخب اصحاب دعوا یا دادگاه، تصمیم‌شان به عنوان رای وفق ماده ۴۸۸ همان قانون از طریق دستگاه قضایی قابلیت اجرا خواهد داشت. همین روند در ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران جهت اجرای رای داور مورد پیش‌بینی واقع و نویسندگان حقوقی نیز بر آن صحه گذاشتند.^۲

با وجود این، و به‌رغم اعتقاد برخی از نویسندگان مبنی بر این که ماهیت وظیفه‌ی داوران شبه‌قضایی و قابل قیاس با وظیفه‌ی قضا است^۳، به ظاهر داوران از امتیازات نسبی که در قوانین برای قضا وضع گردیده صراحتاً برخوردار نیستند. پس تردید مذکور، مبنی بر فرض مصونیت برای داوران منتفی خواهد بود و یقیناً چنین مصونیتی برای داوران در بین نیست. برخی نویسندگان به دلیل حساسیت شغل قضا و به ویژه به منظور تشویق اشخاص برای پیوستن به دستگاه قضایی و قبول این مسئولیت خطیر، مسئول دانستن قضا را در برابر هر نوع خطای شغلی، شایسته و صحیح نمی‌دانند.^۴ همین نگرش را نیز برخی از حقوق‌دانان نسبت به داوران داشته و معتقدند برای هر چه کارآتر کردن داوری و تشویق بدان نه‌تنها باید داوران در چتر حمایت و مصونیت قرار گیرند بلکه سازمان داوری نیز باید زیر این چتر قرار گیرد.^۵ دیگر

^۱ عاشوری، مرتضی، مسئولیت داور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: دکتر حمیدرضا نیکبخت، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

^۲ خزاعی، حسین، «رای داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌الملل»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۷، شماره ۳ ص ۱۲۰؛ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی پیشرفته، تهران: نشر دراک، چاپ دهم، ۱۳۸۶، صص ۵۶۹ و ۵۶۸؛ جنیدی، لعیا، قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸.

^۳ امیر معزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶.

^۴ قربانی تیسفانی، جواد، مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳، ص ۶۰؛ ابهری و نوروزی، پیشین، صص ۶۲ و ۵۷.

^۵ نیکبخت، حمیدرضا، «مسئولیت سازمان داوری در داوری»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ویژه‌نامه یکصدمین سال تاسیس نهاد داوری، بخش نخست، ۱۳۷۰، ص ۱۸.

نویسندگان نیز تلاش کرده‌اند تفکیکی دقیق بین مفهوم تقصیر از یک سو و مفهوم اشتباه یا قصور از سوی دیگر به دست دهند، زیرا در نتیجه‌ی این دسته‌بندی اشتباه را به مواردی که در آن علم و عمد در بین نبوده و بر اساس مسامحه یا کوتاهی محقق می‌شود تعمیم می‌دهند؛ اما در مواردی که تقصیر آلوده به امری نامشروع می‌گردد و قاضی تعدا اقدامی به ضرر دیگری انجام می‌دهد، در این فرض باید مسئول تلقی شود.^۱ پس قضات دارای مصونیت کامل در برابر دعوای مسئولیت مدنی طرح شده از سوی اصحاب دعوا به منظور جبران ضرر وارده در پی دادرسی نمی‌باشند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی و همچنین ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بالصراحه قائل به مسئولیت قاضی در صورت ارتکاب تقصیر می‌باشند و صرفاً در فرض اشتباه قاضی، جبران خسارت بر عهده دولت گذارده شده است. در حقوق ایران صرفاً تحت شرایطی مسئولیت جبران خسارات وارده ناشی از روند دادرسی به اصحاب دعوا، به دولت محول می‌گردد و قضات از بار سنگین خطا و اشتباهات غیر عمدی که قصور تلقی می‌شود، معاف خواهند بود؛ زیرا ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، نیز تاخیر در صدور حکم یا امتناع از رسیدگی را مستلزم مجازات کیفری برای قاضی توأم با جبران خسارت وارده دانسته است. همچنین ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوای مسولیت مدنی علیه قضات، موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی، را دادگاه عمومی تهران تعیین نموده است. بنابر این، از آنجایی که قضات در حقوق ایران از مصونیت کامل برخوردار نیستند، به طریق اولی نمی‌توان برای داوران در برابر خسارات وارده به طرفین دعوا قائل به مصونیت شد. به این ترتیب شاید تنها با محدود ساختن قلمرو تقصیر آنان که در گفتار بعدی تبیین خواهد شد، می‌توان از توسعه‌ی مسئولیت مدنی داوران جلوگیری نمود.

برخلاف حقوق ایران در کشورهایی مانند انگلستان، آمریکا و دیگر کشورهای با نظام حقوقی کامن‌لا، مصونیت داوران به طور مطلق یا محدود پذیرفته شده است. در حقوق انگلستان سال‌ها این فرض که داوران مانند قضات از مصونیت برخوردار و از مسئولیت مبرا بودند، مورد قبول بوده است. به نظر قاضی لرددنینگ در پرونده‌ی «کمپل علیه ادواردز»، اگر داور مرتکب سهل‌انگاری

^۱ کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳؛ جلیلود، پیشین، ص ۲۷۳.

یا اشتباه آشکار شده باشد، طرف دعوا نمی‌تواند او را تعقیب کند. تنها راه برای طرف دعوا اقدام به فسخ حکم می‌باشد ولی شخص داور را به جهت مصونیت‌اش نمی‌توان مورد تعقیب قرار داد.^۱ در حقوق آمریکا مصونیت قضات در گذشته مطلق و استثنایناپذیر نبود. محاکم این کشور تمایل دارند نسبت به اعمال تقصیرآمیز و اشتباهات قضات که منجر به خسارت به اصحاب دعوا می‌گردد رسیدگی نمایند. سیاست ملی آن کشور دآوری را تشویق می‌نماید و طبعاً همین هدف اقتضا می‌کند داوران نیز در زیر چتر مصونیت قرار گیرند؛ اما در دعوای «بار علیه تایگرمن» دادگاه استیناف کالیفرنیا استدلال نمود؛ حمایت از دآوری که در یک سمت شبه قضایی عمل می‌کند به معنای نادیده گرفتن تعهدات قراردادی او در برابر طرفین دآوری نیست.^۲ لیکن بعدها تمایل به جانب‌داری از مصونیت مطلق داوران در این کشور بیشتر گردید، و به قلمرو آن وسعت بخشیده شد؛ به طوری که در ایالت کالیفرنیا در برابر رای تایگرمن، که داور را به جهت تاخیر در صدور رای ضامن دانست، با اضافه کردن ماده ۱۲۸۰ به قانون آیین دادرسی مدنی، داوران زیر چتر مصونیت جامع قضایی قرار داده شدند. دادگاه استیناف آن ایالت نیز از پذیرش دعوا علیه داوران در پرونده‌ی «کوپر علیه سوپریم» امتناع کرد.^۳

به هر حال در بیشتر کشورها قوانین مدون و مصرحی در زمینه‌ی مسئولیت داوران وجود ندارد. با این وصف در نظر برخی از نویسندگان موضوع مصونیت داوران مرتبط با مسئولیت مدنی آنهاست و در صورتی که داوران مرتکب عمل کیفری مانند دریافت رشوه، یا فساد مالی و سایر اقدامات نامشروع و غیر قانونی که قابل مجازات است بشوند، از قلمرو مصونیت خارج می‌گردند.^۴

^۱ کینگز آتورتی، «داوری تجاری و اصول حاکم بر آن در حقوق انگلیسی»، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، مجله حقوقی، شماره ۱۰، ناشر: دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، ۱۳۶۸، ص ۲۲۱.

^۲ هاوس منینجر، پیشین، صص ۲۳۴ و ۲۳۸ و ۲۵۴.

^۳ همان، صص ۲۶۲ و ۲۶۱.

^۴ Franck, Susan, *The Liability of International Arbitrators & comparative and Analysis and Proposal for Qualified Immunity*, 2000, available at: <http://heine.org>, 2000.p.91.

^۵ عاشوری، پیشین، صص ۴۵ و ۴۶.

^۶ Domk, Martin, *The Arbitrator's Immunity from Liability*, 1971, available at: <http://heinonline.org>. p. 103.

گفتار دوم: شرایط تحقق مسئولیت مدنی داوران

برای تحقق مسئولیت مدنی داوران و امکان طرح دعوی مطالبه‌ی خسارات ناشی از افعال و اقدامات زیان‌بار که توأم با تقصیر آنان نیز باشد وجود شرایطی ضروری است. این شرایط، مکمل ارکان تحقق مسئولیت می‌باشند. آن ارکان عبارتند از: فعل زیان‌بار، ورود ضرر، و رابطه‌ی سببیت. ولی بدان جهت که مسئولیت مدنی داوران، نوع خاصی از مسئولیت مدنی و در زمره‌ی مسئولیت‌های حرفه‌ای و شغلی محسوب می‌گردند، لازمه‌ی آن تحقق شرایط خاص مربوط به ایجاد مسئولیت در آن حرفه‌ی معین و به عنوان شرایط اختصاصی خواهد بود. این شرایط اختصاص به شرح ذیل است:

بند اول: انجام اقدامات مغایر با وظایف و اختیارات داور

داوران در مقام رسیدگی به دعوی و موضوع اختلاف وظایف و اختیاراتی دارند. این وظایف و اختیارات ممکن است به طور صریح توسط طرفین و در قالب موافقت‌نامه‌ی داور تعیین گردد و یا با پذیرش مقرراتی مانند قواعد داورى آنسیترال (۱۹۷۶ و یا ۲۰۱۰) چارچوب آن از پیش تعیین شده باشد. به هر حال داوران وفق مقررات منتخب یا قانون حاکم مبادرت به رسیدگی خواهند نمود و قطعا در صورت رسیدگی و اتخاذ تصمیم در محدوده و چارچوب تعیین شده، رای صادره معتبر و لازم‌الاجراست. به موجب ماده ۱۹ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، داوران در صورت توافق طرفین نسبت به قواعد رسیدگی، بر همان اساس اقدام می‌ورزند و در غیر این صورت با رعایت قانون موصوف نسبت به رسیدگی اقدام خواهند ورزید و پای‌بند به قواعد آیین دادرسی دیگری نمی‌باشند. این امر در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی هم مورد پیش‌بینی واقع و صرفا تاکید شده است داوران باید مقررات مربوط به داورى را رعایت کنند اما تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند. مفاد ماده ۱۹ قانون داورى تجارى ایران در خصوص آیین دادرسی مدنی همانند ماده ۱۹ قانون نمونه آنسیترال است.

در فرضی که داوران طبق قانون حاکم بر داورى و در چارچوب مقررات تعیین شده مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نمایند، به نوعی در حیطه‌ی اختیارات خویش عمل کرده و مسئولیتی متوجه آنان نیست. به عنوان مثال صدور قرار تامین خواسته که منجر به توقیف اموال خوانده می‌گردد و یا اقدامات لازم برای فروش اموال طرف دیگر و یا الزام به پرداخت خسارات ناشی از نقض

قرارداد یا تاخیر در اجرا، جملگی مواردی هستند که تصمیم یا رای داوران به ضرر یکی از طرفین دعوا منتهی می‌گردد. این ضرر، در فرض ورود و تحقق نیز قابل پیگیری و مطالبه نیست و دعوی مسئولیت مدنی علیه داوران قابل طرح نخواهد بود، زیرا آن‌چه صورت پذیرفته مطابق قانون یا مقررات داوری و در چارچوب آن بوده است و از این حیث مسئولیتی متوجه داوران نخواهد آورد.

از این رو، به عنوان یکی از شرایط دعوی مسئولیت مدنی علیه داوران لازم است اقدامات داوران فراتر از حیطه‌ی اختیارات و موضوع داوری صورت گیرد. در این صورت، اسباب مسئولیت مدنی آنان فراهم خواهد شد، زیرا اصل ۱۷۱ قانون اساسی به عنوان یک قاعده‌ی قابل اعمال نسبت به مسئولیت قضات، بر تحقق تقصیر تاکید دارد. نویسندگان حقوقی نیز معتقدند در مواردی که قاضی بر اساس محتویات پرونده و مواد قانونی، استنباط خویش را بیان می‌دارد و یا در چارچوب اختیارات یا قانون و صلاحیت خود اتخاذ تصمیم می‌نماید، نباید علیه او اقدام نمود^۱، زیرا فلسفه داوری و انتخاب داور توسط اصحاب دعوا، صرفاً تعیین مقام رسیدگی‌کننده‌ی مجرب و آشنا به موضوع، توأم با رسیدگی سریع و کم‌هزینه می‌باشد. بی‌گمان داوران و کیل اصحاب دعوا نیستند تا تحت هر شرایطی به نفع کسانی که آن‌ها را انتخاب نموده‌اند تصمیم‌گیری کنند. این امر با اصل بی‌طرفی داوران و روح عدالت تنافر خواهد داشت. پس باید بر آن بود؛ زمانی داوران مسئولیت مدنی خواهند داشت که از حیطه‌ی وظایف و اختیارات خویش خارج شده باشند. وقتی داور از اختیارات خویش تخطی نموده و خارج از وظایف شغلی عمل می‌نماید، طبق قواعد عام مسئولیت مدنی و نیز ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مسئول شناخته خواهد شد؛ مانند این که داور در خصوص اختلاف بین اصحاب دعوا مبنی بر معیوب یا سالم بودن مبیع و یا، فاسد یا معتبر بودن تاریخ مصرف کالا، به جای اعلام نظر نسبت به موضوع، دستور امحا و از بین بردن آن کالا را صادر نماید. این اقدام قطعاً به ضرر فروشنده و خارج از وظیفه و اختیار داور بوده و موجب مسئولیت مدنی او خواهد شد.

در نظام‌های حقوقی دیگر مانند کامن‌لا، مصونیت داوران صرفاً در مواردی خواهد بود که داور

^۱. جلیوند، پیشین، ص ۲۲۵؛ ابهری و نوروزی، پیشین، ص ۵۷.

اقدام به اعمال شبه قضایی یا عمل داوری مانند صدور حکم، نماید. اگر داور اقدامی غیر از رسیدگی انجام دهد که از حیطه وظایف او خارج است، اساساً موضوع داوری نیز می‌تواند منتفی باشد.^۱ در این صورت تردیدی در عدم امکان استناد به مصونیت برای داور وجود نخواهد داشت.

بند دوم: تحقق تقصیر منتهی به ورود خسارت

به موجب ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، شرط دیگر برای احراز مسئولیت مدنی داوران آن است که داوران مرتکب عملی گردند و در پی این عمل ضرری به اصحاب دعوا وارد آید. عمل داوران باید نامتعارف و برخلاف مقررات داوری باشد و خارج از قلمرو وظایف و اختیارات آنان تلقی گردد. در این صورت بر اقدام نامتعارف داوران تقصیر اطلاق می‌گردد؛ آن‌چه در قواعد مسئولیت مدنی بدان فعل زیان‌بار و تقصیر گویند و نتیجه‌ی آن نیز منتهی به تحمیل ضرر مسلم و قطعی، اعم از مادی یا معنوی به اصحاب دعواست.

در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی تقصیر به طور مطلق به کار رفته و اعم از عمدی و غیر عمدی است. با این حال، به نظر می‌رسد مفهوم تقصیر مذکور در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌تواند از وسعت و اطلاق مذکور در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی تبعیت کند، زیرا در آن صورت سبب تحمیل مسئولیت گسترده‌تری بر داوران خواهد شد و نتیجه‌ی آن جز این نیست که پس از رسیدگی داوران در هر پرونده، آنان باید منتظر طرح دعوا علیه خویش به ادعای ورود خسارت ناشی از تقصیر داوران باشند. لذا، شایسته است تفسیر و تعبیر صحیحی از عبارت «تقصیر» در ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م. داشته باشیم تا به استثنای موارد عمد یا خطای سنگین، دعوای مسئولیت مدنی علیه داوران مسموع نباشد.

برخی از نویسندگان حقوقی تقصیر را به اشتباه در رفتار قابل انتساب به فاعل تعریف نموده و آن را به تقصیر عمدی و تقصیر غیر عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی و تسامح تقسیم کرده‌اند. فرض عمدی را در جایی صادق می‌دانند که مباشر در ایجاد خسارت عمد داشته باشد و خطای سنگین را نیز اماره بر تقصیر عمدی دانسته‌اند. تقصیر غیر عمد را نیز در جایی صادق دانسته‌اند

^۱ Nolan Dennis R. and Abrams Royer, I., "Arbitral Immunity", Industrial Relations Law Journal, Vol. 11, No. 2, 1998, available at: hein online, org. p. 237.

که عامل قصد اضرار نداشته و صرفاً تسامح موجب خسارت گردد و اگر تسامح در بین نبود، ضرری هم به بار نمی‌آید.^۱ نویسندگان دیگر نیز همین دسته‌بندی را تا حدودی تایید کرده‌اند.^۲ به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده از سوی برخی نویسندگان که از جنبه‌ی اجتماعی برخوردار است دارای اهمیت بیشتری باشد.^۳ به موجب این تعریف «تقصیر، تجاوز از رفتاری است که انسانی معقول و متعارف در همان شرایط حادثه دارد». این تعریف به قواعد مذکور در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی نزدیک‌تر است و از نظر حرفه‌ای به نوع مسئولیت و مهارت‌های شخصی توجه نخواهد شد.

اکنون پرسش این‌جاست که آیا تقصیری که داوران مرتکب می‌شوند، و در ماده ۵۰۱ ق.آ.د.م. پیش‌بینی شده از جهت مفهوم، کاملاً منطبق با مفاد ماده ۹۵۱ و ۹۵۲ می‌باشد و یا باید در تعبیر مفهوم ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی به قاعده‌ی مذکور در اصل ۱۷۱ قانون اساسی توجه نمود؟ تفاوت این دو نوع نگرش آن است که اگر تقصیر مذکور در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی را بر اساس دیدگاه اول و همان مفهوم مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی حمل نماییم در آن صورت هرگونه بی‌احتیاطی و تقصیر سبک که ناشی از مسامحه و غفلت غیر عمدی است سبب ایجاد حق طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه داوران خواهد شد. اثر ویران‌گر این نگرش آن است که داوران در برابر دعاوی متعدد و بی‌امان اصحاب دعوا، به تدریج از پذیرش مسئولیت داورى خودداری خواهند کرد.

اما اگر نگرش دوم را پذیرا شویم، باید قائل بر آن باشیم که تقصیر مذکور در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، از قاعده مذکور در اصل ۱۷۱ قانون اساسی تبعیت می‌نماید. داوران هم مطمئن خواهند بود در صورتی که عمداً خطایی از آن‌ها سر نزند و با سوءنیت و علم کامل موجب اضرار به اصحاب دعوا نشوند طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه آن‌ها، مانعی برای آنان در ایفای

^۱ حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، صص ۳۱ و ۳۲.

^۲ قاسم‌زاده، پیشین، ص ۱۱۶؛ داراب‌پور، پیشین، ص ۱۴۵؛ لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدانان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۵۴.

^۳ کاتوزیان، مسولیت مدنی، پیشین، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

نقش داورى به وجود نمى‌آورد. اصل ۱۷۱ قانون اساسى در همين راستا نسبت به تقصير عمدى و غير عمدى قائل به تفكيك شده و صرفا ارتكاب تقصير عمدى را موجب بروز مسئوليت برآى شخص قاضى دانسته است. در فرض تحقق اقدامى غير عمدى، اصل ۱۷۱ قانون اساسى آن را اشتباه تعبير نموده و قاضى را برى از مسئوليت مدنى تلقى و مخاطب دعوا را دولت انگاشته است. برخى از نويسندگان نيز از اين ديدگاه دفاع کرده‌اند.^۱ به نظر مى‌رسد به جهت ارتباط تنگاتنگ بين ماهيت وظيف داوران با قضا، قاعده مذکور در اصل ۱۷۱ قانون اساسى به داوران قابل تعميم و تسرى باشد. افزون بر آن اين تفسير نيز از پشتوانه‌ى حقوقى برخوردار است زيرا هم در مشروح مذاكرات مجلس شوراى اسلامى جهت بررسى نهايى قانون اساسى، تقصير در برابر قصور و اشتباه به كار رفته و هم در ماده ۸ قانون رسيدگى به تخلفات ادارى مصوب ۱۳۶۵ عبارت تقصير در برابر قصور قرار داده شد و اين چنين تعريف گرديده است:

«... تقصير عبارت است از نقض عمدى قوانين و مقررات ادارى. قصور عبارت است از کوتاهى غير عمدى در اجراى وظيف ادارى»^۲. بنا بر اين، در مواردى كه اقدام داور از روى سوءنيت و آگاهى و به قصد اضرار و عمد نباشد بايد عمل انجام شده را حمل بر مفهوم قصور نمود تا در برابر آن دعوای مسئوليت مدنى قابل طرح نباشد. دعوای مسئوليت مدنى تنها در صورتى كه اقدامى عامدانه به قصد اضرار به اصحاب دعوا صورت مى‌گيرد و يا در جابى كه عمل را نيزنگ‌آميز ناميده‌اند، قابل طرح است؛ چون در اين فرض، اراده‌ى مباشر آگاهانه و عامدانه، نتيجه زيان‌بار را در نظر داشته و خواسته است.^۳ در اين صورت، اصحاب دعوا استحقاق طرح دعوای مسئوليت مدنى را عليه داور خواهند داشت.

در نظام حقوقى كامن‌لا نيز اين امر داراى سابقه است و داوران ممكن است نسبت به اجراى تعهدات حرفه‌اى شان داراى مسئوليت مدنى باشند. در حقوق انگلستان اعضاى حرفه‌اى و ماهر يك پيشه‌ى خاص به جهت نقض يا قصور در اجراى تعهدات حرفه‌اى شان، در سطحى كه آن

^۱ صالحى مازندراني، محمد، «تاملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی»، مجله فقه و حقوق،

سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵.

^۲ صفایی و رحیمی، پیشین، ص ۶۴.

^۳ ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۹۱.

مهارت و مراقبت به طور طبیعی اجرا می‌گردد، دارای مسئولیت مدنی هستند، زیرا فرض بر این است شخصی که جهت آموختن حرفه‌ای وارد می‌شود، متعهد است مهارت و مراقبت معقول آن رشته‌ی شغلی را رعایت و اجرا نماید.^۱ از این جهت داوران نیز همانند سایر صاحبان حرف، ممکن است مواجه با مسئولیت مدنی و متحمل آن، در این نظام حقوقی باشند.

بند سوم: اثبات تقصیر داور در دادگاه

برای طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه داوران ضروریست داوران در اثنای رسیدگی اقدامات مغایر با وظایف و اختیارات داور انجام داده باشند. این اقدامات باید عمدی و با آگاهی توأم با تقصیر و منتهی به ضرر اصحاب دعوا بوده باشد. افزون بر آن، صرف تحقق عملی این شروط کافی نخواهد بود، بلکه اصحاب دعوا باید نسبت به ادعای خویش، وفق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی ادله‌ی لازم را فراهم و به دادگاه ارائه نمایند تا ادعای‌شان اثبات گردد. وضعیت اصحاب دعوا و داوران اصولاً از دو حال خارج نیست. فرض اول آنست که داوران نسبت به صدور رای اقدام نموده لیکن آن رای اساساً بر تقلب، تدلیس، اخذ رشوه و توصیه‌پذیری داور استوار بوده و به ناحق بر ضرر یکی از اصحاب دعوا صادر شده است. در این صورت طرف متضرر، برای ابطال رای داور ناگزیر از اعتراض در دادگاه و اثبات موارد اخیرالذکر خواهد بود. در نهایت در فرض اثبات موضوع، رای داور نقض می‌گردد. پس از آن به استناد رای صادره و اقدامات متقلبانه و غیر قانونی که اساس رای نقض شده را تشکیل داده متضرر قادر است دعوی مستقل مسئولیت مدنی جهت مطالبه‌ی خسارت علیه داوران خاطی در دادگاه طرح نماید.

فرض دوم، در مواردی است که داور از صدور رای به طور کلی خودداری نموده و یا اقدام به استعفا نماید. در این صورت آنچه موضوع دعوی مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد امتناع داور از صدور رای یا استعفا می‌باشد. پس دادگاه صالح نسبت به صدور حکم علیه داوران به جهت تخلف از اعمال مفاد موافقت‌نامه‌ی داور اقدام خواهد نمود.

دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی مسئولیت مدنی بایستی احراز کند که آیا به دلیل استعفای نابجا و غیر قانونی یا عدم صدور رای توسط داور، ضرر بر یکی یا هر دو طرف دعوا وارد آمده

^۱. Franck, op, cit., p.10.

است یا خیر؟ زیرا صرف استعفا یا عدم صدور رای در تمام موارد موجب ورود خسارت نخواهد شد. بنابر این، تقصیر داور بایستی هم‌زمان یا مقدم بر مطالبه‌ی خسارت، در دعوی مسئولیت مدنی به اثبات برسد و بر همین اساس دادگاه مبادرت به صدور رای و الزام داوران به جبران خسارت نماید. بنابر این، در هر دو فرض مذکور اثبات تقصیر داور به عنوان مقدمه‌ای لازم جهت استماع و رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی داور ضروری خواهد بود؛ با این تفاوت که در فرض اول، پس از نقض رای داور به استناد همان تخلفات مانند اخذ رشوه، تدلیس و تقلب یا تخطی از وظایف، متعاقبا با طرح دعوی مسئولیت مدنی، خسارت قابل مطالبه است، اما در فرض دوم، اثبات تقصیر مبنی بر استعفا یا نایجا یا امتناع از صدور رای توأم با دعوی مطالبه‌ی ضرر و زیان هم‌زمان واقع می‌شود. این در حالی است که برای طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه قضات به منظور مطالبه‌ی ضرر و زیان، احراز تخلف قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات لازم است تا متعاقب آن، دادگاه عمومی به دعوی خسارت رسیدگی کند. این روند از گذشته مورد تایید برخی از نویسندگان بود.^۱ در نهایت همین دیدگاه در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب مهر ماه ۱۳۹۰ مورد پذیرش واقع شد. ماده ۳۰ این قانون اشعار می‌دارد:

«رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی، موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی، در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.» از مفاد این قانون می‌توان وحدت ملاک گرفت و همین روش را در خصوص رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی داوران قابل اعمال دانست.

گفتار سوم: اهم مصادیق مسئولیت مدنی داوران

در تحقق مسئولیت کیفری به موجب اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها قانون‌گذار باید جرم و مجازات آن را به طور صریح تعیین نماید. در صورت سکوت قانون‌گذار، بر اساس اصل اباحه هیچ عملی جرم نبوده و موجبی برای مسئولیت نیست. لیکن در مسئولیت مدنی قانون‌گذار هرگز قادر

^۱ کاتوزیان، مسئولیت مدنی، پیشین، ص ۳۸۲؛ اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ قربانی تیسفانی، جواد، «مسئولیت مدنی قاضی»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۶، ص ۴۷.

نخواهد بود به طور صریح تمامی اعمال و عناوینی که ایجاد مسئولیت می‌نماید را احصا کند.^۱ پس دادگاه‌ها باید بر اساس قواعد کلی از قبیل این که هیچ کس حق ندارد به دیگری ضرر بزند و هر کسی باید مراقب رفتار خویش بوده و در صورت بروز ضرر هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند، به موضوعات مربوطه رسیدگی نمایند. در این صورت کافی است قانون‌گذار بر اساس همین اصول کلی و همچنین مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی یا مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، اشخاص را از اضرار به غیر اعم از اتلاف، تسبیب یا هر عمل نامشروع و غیر قانونی دیگر برحذر دارد. این مواد اطلاق داشته و به هر یک از اعمال و اقدامات عمدی و غیر عمدی نامشروع، که موجب ورود ضرر و لطمه به دیگری شود، تسری خواهد یافت و عامل فعل زیان‌بار مکلف به جبران خسارت وارده ناشی از اعمال غیر قانونی خویش می‌باشد.

در بحث مسئولیت مدنی داوران نیز الزاما نباید بر آن بود که موارد و موجبات مسئولیت آن‌ها به طور معین و مشخص از سوی قانون‌گذار احصا گردد. بنابر این، هر اقدامی که به طور غیر قانونی و بر اساس تقصیر عمدی و عالمانه‌ی داوران، صورت گیرد و موجب ورود خسارت نامتعارف و نامشروع به اصحاب دعوا شود برای داوران مسئولیت‌آور خواهد بود. در ذیل مهم‌ترین مصادیق مسئولیت مدنی داوران را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بند اول: اقدام متقلبانه و غیر قانونی در صدور رای

حسب قواعد و مقررات حاکم بر داوری، داوران مکلفند بر اساس موافقت‌نامه‌ی داوری و قانون آیین دادرسی مدنی یا مقررات قانونی نسبت به رسیدگی و صدور رای اقدام کنند. این قاعده به طور نمونه در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است. رسیدگی به دعوا طبق اصول و مقررات داوری جزو وظایف و تکالیف داوران است. داور باید استقلال و بی‌طرفی را رعایت نماید تا از مسیر اصلی منحرف نشود و نباید طی تبانی با یکی از اصحاب دعوا، به طور متقلبانه و برخلاف اصول رفتار و به ضرر طرف دیگر اقدام به صدور رای کند. آن‌چه می‌تواند محور تقلب را تشکیل دهد، متعدد و متفاوت است و به تشخیص دادگاه خواهد بود؛ اما مسلم آن

^۱. کاتوزیان، مسئولیت مدنی، پیشین، ص ۴۰.

است که اخذ رشوه از طرف مقابل، اعمال نفوذ در کارشناسان منتخب، اغوا و القای شهود به نفع یک طرف، پذیرفتن اسناد خلاف واقع و اعتبار بخشیدن بدان، یا مخدوش ساختن اسناد معتبر طرف دیگر به نفع شخص مورد نظر، و اخذ امضا توأم با تدلیس از یک طرف به نفع طرف دیگر، می‌تواند از مهم‌ترین مصادیق تقلب به شمار آید. در نظر برخی از نویسندگان ارتکاب تقصیر بزرگ شغلی که از طریق آن بتوان، انکار عدالت را به داور نسبت داد می‌تواند برای او مسئولیت‌آور باشد.^۱

در همه‌ی مصادیق یاد شده، اقدامات انجام شده از سوی داوران توأم با عمد و سوءنیت و برخلاف اصول داوری صورت می‌پذیرد و قطعاً در راستای نفع یکی از طرفین و به ضرر طرف دیگر خواهد بود. چون در این مورد اصل بی‌طرفی حاکم بر داوری به جهت عمدی بودن رفتار داور، نقض گردیده است. اقدام به صدور رای به طور عمدی به نفع یکی از طرفین را می‌توان مغایر قانون دانست. بند ۱ مواد ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و بند ج از شق ۱ ماده ۳۳ قانون داوری تجاری ایران که بر مدرک نامعتبر در صدور رای اشاره دارد را می‌توان تلویحاً مویدی بر مغایرت رای با قانون تلقی نمود.

در قوانین فدرال و ایالتی ایالات متحده آمریکا عموماً در مواردی که رای با فساد و تقلب تحصیل شده باشد یا هنگامی که طرف‌داری آشکاری از سوی داور وجود داشته باشد دادگاه‌ها اختیار دارند رای را ابطال کنند.^۲

در استانداردهای اخلاقی که برای داور بی‌طرف، به موجب شق ۸۵ از ماده ۱۲۸۱ قانون آیین دادرسی ایالت کالیفرنیا، در اول جولای ۲۰۰۲ تدوین گردیده، استاندارد شماره ۱۱ مقرر داشته؛ داور تحت هیچ شرایطی نباید از هر یک از طرفین دعوا که منافع‌شان، در گرو داوری است، هدیه یا امتیاز و وجهی به طور غیر قانونی دریافت دارد.^۳ این محدودیت به مدت دو سال پس از صدور حکم برای داور و خانواده‌اش ادامه خواهد یافت. مشابه این محدودیت، در استاندارد

^۱ خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد هفتم، تهران: نشر قانون، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۸۳.

^۲ هولتزمن، هوارد، ام، «داوری در ایالات متحده امریکا»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی

دانشکده علوم قضایی، شماره ۲۵، ۱۳۸۱، ص ۸۳.

^۳ Folberg, Jay, Arbitration Ethics is California, the Future, 2002-2003, available at: <http://hein on line.org>. pp. 385-387.

۱ و ۲ مصوب ۲۲ «می» سال ۲۰۰۴ کانون وکلای بین‌المللی (IBA) راجع به تعارض منافع در داوری تجاری بین‌المللی نیز مورد پیش‌بینی و تاکید قرار گرفته است.^۱

همچنین در استاندارد شماره ۱۳، داور از ارتباط یک‌جانبه و بدون حضور طرف دیگر منع گردیده است. این منع در بند ۵ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات در حقوق ایران نیز دیده می‌شود و پذیرفتن هرگونه هدیه، خدمت یا امتیاز غیر متعارف توسط قاضی تخلف انتظامی شناخته شده است. ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی صراحتاً مقرر می‌دارد؛ در صورتی که داور در قبال اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید قابل مجازات می‌باشد. در نتیجه با احراز متقلبانه یا غیر قانونی بودن عمل توأم با ورود ضرر، می‌توان علیه داوران دعوای مسئولیت مدنی طرح نمود و خسارت وارده اعم از حق‌الزحمه‌ی داوری، هزینه کارشناسی یا سایر هزینه‌های مستقیم را از آن‌ها مطالبه کرد.

بند دوم: نقض اصول دادرسی و تخطی از مقررات داوری

داوران باید همانند قضات هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به طرفین دعوا اعمال نمایند. اصحاب دعوا در دادرسی دارای حقوقی می‌باشند. رعایت این حقوق توسط داوران جزو تکالیف آنان محسوب می‌گردد و نقض عامدانه‌ی آن که منتهی به ورود ضرر به اصحاب دعوا می‌شود، برای داوران مسئولیت‌آور خواهد بود؛ استماع اظهارات یک طرف بدون حضور طرف دیگر، ابلاغ اوراق قضایی به یک طرف بدون اطلاع رساندن به طرف دیگر و به طور کلی عدم ابلاغ صحیح به هر یک از طرفین، از موارد عدم رفتار مساوی داور محسوب می‌گردد. پس داوران نباید نسبت به یک طرف استثنا قائل شده و طرف‌داری خود را به نمایش درآورند^۲، زیرا توجه خاص به یکی از طرفین دعوا به منزله‌ی نقض تساوی حقوق طرفین و یا نادیده گرفتن اصل بی‌طرفی است. ضمانت اجرای نقض اصل بی‌طرفی در نظر نویسندگان حقوقی جرح داور است؛ چون به نوعی جانب‌داری از

^۱. Guide Lines on Conflicts of Interest in International Arbitration, available at: www.ibanet.org/.../Default?eb14.

^۲. اسدی‌نژاد، سیدمحمد، «اصول و مبانی مقررات داوری سازمان مالکیت فکری و مقایسه آن با قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر محمد عیسیایی تفرشی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

یکی از اصحاب دعوا می‌تواند تلقی شود.^۱ مقتضی اصول دادرسی رفتار برابر داور با اصحاب دعوا، در اعطای فرصت برای بیان مطالب و یا امکان دفاع و استماع عادلانه‌ی دفاعیات اصحاب دعوا می‌باشد.^۲ ماده ۱۸ قانون نمونه آنسیترال و ماده ۱۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران بر رفتار یکسان و مساوی با اصحاب دعوا و دادن فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل‌شان تاکید دارند. عدم رعایت اصل رفتار مساوی با طرفین، به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه، بطلان رای را بر اساس بند د ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی به دنبال خواهد داشت.

بند ۱ ماده ۱۸۰ قانون داوری سوییس در همین زمینه مقرر می‌دارد: «اگر شکی معقول بر اساس اوضاع و احوال نسبت به عدم استقلال رای داور وجود داشته باشد، می‌توان داور را جرح نمود».^۳ بنابر این، رعایت اصول دادرسی بسیار حائز اهمیت می‌باشد به طوری که عدم رعایت مقررات ابلاغ و بی‌اطلاعی اصحاب دعوا از تشکیل جلسه‌ی رسیدگی و یا عدم دریافت نظریه‌ی کارشناس منتخب داوران، مغایر با حقوق اصحاب دعوا تلقی می‌گردد. بند ۲ ماده ۲۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد: «داور باید تشکیل هرگونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و مدارک طرفین را تا مهلت کافی، به طرفین ابلاغ کند». دعوت از طرفین برای جلسه رسیدگی در بند ۱ ماده ۲۵ قانون نمونه آنسیترال نیز مورد تاکید واقع شده است. همچنین قانون نظارت بر رفتار قضات، در بند ۸ از ماده ۱۵ عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی را تخلف انتظامی برای قضات برشمرده است. به موجب تبصره ذیل ماده ۱۸ همان قانون، تخلفات عمدی که منتهی به تضییع حق یا تاخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، با ضمانت اجرای سنگینی (بند ۸ تا ۱۳ از ماده ۱۳ همان قانون) مواجه خواهد بود که حداقل آن در بند ۸ انفصال موقت از یک تا شش ماه می‌باشد و حداکثر آن نیز در بند ۱۲ انفصال دایم از خدمات دولتی خواهد بود.

^۱ جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵؛ امیر معزی، پیشین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

^۲ اشمیتوف کلاویو، ام، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد دوم، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۹۹۶.

^۳ کلاتریان، مرتضی، بررسی مهم‌ترین نظام‌های حقوقی داوری در جهان، تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۹۹.

در نظام‌های حقوقی دیگر نیز داوران مکلفند وظایف خود را منصفانه و با رعایت بی‌طرفی انجام دهند. بهره این که داوران در صورت نقض این وظایف نمی‌توانند به مصونیت خویش استناد نمایند. نویسندگان این وظایف را وظایف اخلاقی نام نهاده‌اند و نقض آن را که منجر به ورود خسارت به یکی از اصحاب دعوا گردد موجب حق طرح دعوا علیه داور می‌دانند.^۱ در بند ۱ ماده ۱۰۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان، در مواردی که رای داور بر مبنای یک قرارداد معتبر صادر نشده باشد و یا بر مبنای آیین دادرسی غیر قابل قبول صادر شده باشد می‌توان درخواست ابطال رای را نمود. همچنین بند ۷ ماده ۷۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی لیبی دارای وضعیت مشابهی می‌باشد؛ به طوری که اگر داوران قواعد رسیدگی را رعایت نکنند، رای صادره معتبر نخواهد بود.^۲

یکی از همین تعهدات اخلاقی، اعلام تعارض منفعت در دعوای مطروحه یا داشتن نفع شخصی است. عدم اعلام این امر مغایر با اصل بی‌طرفی محسوب می‌گردد. در دستورالعمل انجمن دآوری آمریکا تاکید شده است؛ داوران باید هر امری که موجب شک معقول برای شخص ثالث، نسبت به داشتن نفع یا عدم رعایت اصل بی‌طرفی از سوی داور می‌گردد را اعلام نمایند؛ در صورت عدم رعایت این قاعده از سوی داور، هر یک از اصحاب متضرر دعوا حق طرح دعوا علیه داور را خواهند داشت. اثر این دعوا می‌تواند بطلان دآوری و خاتمه‌ی آن توأم با مطالبه‌ی خسارت وارده باشد.^۳

برخی از اقدامات دیگر داوران مانند خروج از حیطة اختیارات طبق بند ۳ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و بند هـ از شق ۱ ماده ۳۳ قانون دآوری تجاری بین‌المللی، از مواردی هستند که موجبات اعتراض و بطلان رای را فراهم می‌سازند، زیرا داور از لحاظ حدود اختیارات تابع اراده‌ی طرفین است ولی در نحوه رسیدگی و صدور رای مستقل است. بنابر این اگر داوران خارج از حدود اختیارات و صلاحیت اقدام ورزند و تجاوز از حدود موضوع دآوری نموده و رای دهند،

^۱. Hwang, Michael, *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, p. 225.

^۲. کشکولی، رسول، مبانی ابطال و بطلان آرای دآوری در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: مرتضی شهبازی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۷۷.

^۳. Hwang, op. cit., p. 237.

رای صادره قابل ابطال خواهد بود^۱. البته به زعم برخی از نویسندگان صرف ابطال رای نمی تواند دلیل کافی بر مسئولیت داور تلقی شود، چرا که ممکن است بر اساس اشتباه داور زمینه‌ی ابطال رای فراهم شود^۲؛ ولیکن این امر مانع از آن نیست که در فرض تحقق ضرر و اثبات علم و عمد داور در انجام اقدام منظور، او مسئول جبران خسارات وارده نباشد.

بند سوم: اطاله دادرسی و امتناع از رسیدگی

داوران پس از قبول سمت باید طبق مهلت تعیین شده در موافقت‌نامه‌ی داوری مبادرت به رسیدگی نمایند. در صورت عدم پیش‌بینی این مهلت در موافقت‌نامه‌ی داوری، مقررات مختلف حسب مورد مهلت معقولی را برای صدور رای و رسیدگی تعیین نموده‌اند. تبصره ذیل ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت عدم تعیین مدت داوری از سوی طرفین، این مدت را سه ماه تعیین نموده و ماده ۱۸ مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی این مدت را شش ماه پیش‌بینی کرده است. بنابر این، داوران هم مکلف به صدور رای می‌باشند و هم این تکلیف باید در ظرف مهلت تعیین شده انجام پذیرد، والا این امر با یکی از اهداف مهم داوری یعنی سرعت در رسیدگی مغایرت خواهد داشت.

با این وصف داور ممکن است برخلاف تکلیف یا تعهد قراردادی خویش، موجب اطاله‌ی دادرسی شود؛ مانند این که وقت رسیدگی را بی‌جهت تجدید نماید، اسناد و مدارکی که تهیه‌ی آن برای اصحاب دعوا به آسانی میسر نیست را مطالبه کند، شهود طرفین را در چند جلسه‌ی متعدد دعوت کند، بر نظریه‌ی کارشناسان خرده گرفته و بررسی بیشتر را طلب کند و یا پس از انقضای مهلت تعیین شده مبادرت به صدور رای نماید. نتیجه این امر، تحمیل هزینه‌های سنگین بر اصحاب دعوا و اطاله‌ی دادرسی است. این هزینه‌ها، در صورتی که به علت اطاله‌ی دادرسی توأم با تقصیر عامدانه‌ی داور باشد، مانند تامین هزینه مجدد وکیل، کارشناس، شهود و سایر هزینه‌های مرتبط از داور قابل مطالبه می‌باشد. بند ۴ از ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات نیز

^۱. علمی، حسین، تحلیل محدودیت‌های اراده در داوری تجاری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: مرتضی شهبازی‌نیا، ۱۳۹۱.
^۲. خزاعی، پیشین، ص ۲۸۲.

تاخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهات قانونی و نیز بدون ذکر علت را تخلف دانسته و تبصره ذیل ماده ۱۸ همان قانون، که قبلاً بیان شد، ضمانت اجرای عمدی این تخلف را انفصال موقت و دایم برحسب مورد تعیین نموده است. برخی از نویسندگان اطلاعاتی دادرسی را چه به صورت عمدی چه غیر عمدی موجب مسئولیت مدنی قاضی یا دولت دانسته‌اند.^۱ با این حال، به نظر می‌رسد نسبت به داوران صرفاً در فرض تعدد در اطلاعاتی دادرسی، می‌توان برای داور قائل به مسئولیت شد.

استعفای نابهنگام، بی‌جهت و توأم با سوءنیت نیز می‌تواند از موارد امتناع از رسیدگی و سبب مسئولیت مدنی داور شود. به‌زعم برخی از حقوق‌دانان انگیزه‌ی داور از استعفا می‌تواند حفظ منفعت طرفی که او را برگزیده است باشد، زیرا داور مستعفی، ممکن است در حین دادرسی از دیدگاه داور طرف مقابل و سرداور، مطلع گردد و به جهت اتمام دادرسی به ضرر طرفی که وی را داور منتخب خود قرار داده است، با اقدام به استعفا موجب وقفه در روند رسیدگی گردد.^۲ اثر این استعفا تفاوتی با امتناع از رسیدگی نخواهد داشت.

امتناع از رسیدگی نیز اگر توأم با سوءنیت و به قصد اضرار به هر یک از اصحاب دعوا و بی‌جهت صورت پذیرد از موارد مسئولیت مدنی داور می‌باشد. تردیدی نیست در مواردی که داور به دلایل خاصی از معاذیر قانونی بهره‌مند می‌گردد، امتناع از رسیدگی نمی‌تواند مبنایی برای طرح دعوای مسئولیت مدنی علیه داور باشد. ضمانت اجرای امتناع از رسیدگی چه با سوءنیت و عامدانه صورت پذیرد و چه داور دارای عذر قانونی باشد، وفق ماده ۱۴ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران و نیز ماده ۱۴ از قانون نمونه آنسیترال، امکان برکناری داور است. لیکن در صورت اثبات قصد اضرار و تقصیر داور در امتناع از رسیدگی، زمینه‌ی طرح دعوای مطالبه خسارت نیز فراهم می‌آید.

برخلاف مقررات فوق که تصریحی بر مسئولیت داور در فرض استعفا برای جبران خسارت ندارند، ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی ضمانت اجرای استعفا یا امتناع عمدی در دادن رای را جبران خسارت وارده، توأم با محرومیت تا مدت ۵ سال از حق انتخاب شدن به عنوان داور قرار داده است. ماده ۴۷۴ همان قانون نیز حسب مورد، انتخاب داور جایگزین را برای داور ممتنع و یا رسیدگی مستقیم توسط دادگاه صالح را به عنوان چاره‌ی راه قرار داده است.

^۱. اصغری آقمشهدی، و قربانی تیسفانی، پیشین، ص ۴۳.

^۲. واحدی، قدرت‌الله، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۴۳.

در حقوق آمریکا نیز امتناع داور از صدور رای، از موارد ابطال رای شناخته شده است.^۱ در حقوق آژانتین نیز ماده ۷۵۴ آیین دادرسی بازرگانی، داوران را در صورت امتناع از انجام وظایف داوری‌شان، مسئول جبران خسارت و هزینه‌ها دانسته و خودداری از صدور رای را در زمان مقرر سبب تحمیل مسئولیت بر داور، جهت جبران خسارت وارده به اصحاب دعوا اعلام داشته است. همین قاعده در بند ۲ ماده ۵۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی اتریش، برای قصور داور در صدور رای، پیش‌بینی و داور مسئول جبران خسارت دانسته شده است. مضافاً این که دیوان عالی آن کشور در ششم ژوئن ۲۰۰۶ مقرر داشت: «داوران صرفاً مسئول خساراتی هستند که در پی امتناع آنان از صدور رای پدید آمده است».^۲

در حقوق فرانسه نیز طبق ماده ۱۴۵۶ قانون جدید آیین دادرسی مدنی، در صورتی که طی مدت شش ماه، داوران نسبت به صدور رای اقدام ننموده و تقاضای افزایش مهلت از دادگاه نمایند و یا طرفین نیز مهلت اضافی به داوران ندهند، رای که در خارج از مهلت صادر گردد، قابل ابطال می‌باشد و طرفین قادر به طرح دعوای مطالبه‌ی خسارات وارده خواهند بود.^۳ بنابراین، از آنجایی که داوران موظف به انجام وظایف قانونی می‌باشند، تاخیر در رسیدگی توسط آنان موجب ضرر خواهد بود. در برخی نظام‌های حقوقی اگر عنصر عمد در تاخیر استنباط شود داور قابل جرح خواهد بود؛ به طوری که این امر در نظر برخی از نویسندگان نوعی سوءرفتار و سوءتصدی در جریان رسیدگی تلقی و مسئولیت‌آور خواهد بود.^۴

نتیجه‌گیری

در مقایسه با قضات و حمایت محدودی که از آن‌ها در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قوانین دیگر به عمل آمده، داوران از همین حداقل حمایت نیز برخوردار نیستند. به موجب مواد ۴۷۳، ۴۷۴ و

^۱. هولتزمن، پیشین، ص ۸۲.

^۲. Mullerat, Ramon, *The Liability of Arbitrators a Survey of Current Practice* International Bar Association Commission on Arbitration, Chicago, 2006, p.150.

^۳. Hwang, op. cit., p.235.

^۴. ادیب، محمد، وضعیت حقوقی و آثار قراردادهای داوری منعقد بین دولت ایران و شرکت‌های خارجی، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: ربیعا اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵.

۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، به طور صریح و خاص برای داوران مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. تردیدی نیست که اشخاص باید پاسخ‌گوی رفتار خود که منتهی به ضرر دیگران می‌شود، باشند، ولی از آنجایی که داوران با قبول داور، تن به پذیرش مسئولیت دشوار رسیدگی به اختلافات می‌دهند، به نوعی بخشی از بار مسئولیت دولت را در رسیدگی به دعاوی اشخاص از طریق دادگاه بر عهده دارند. از این رو مقتضی است چنانچه مصونیتی برای آن‌ها در نظام حقوقی ایران وجود ندارد، حداقل همانند قضات امتیازی برای داوران قائل گردیم؛ یعنی بین اقدامات توأم با علم و آگاهی و سوءنیت داوران که بر آن‌ها عنوان تقصیر عمدی یا سنگین اطلاق می‌گردد، از قبیل اخذ رشوه، تقلب، تدلیس، استعفا یا امتناع از صدور رای، اطاله‌ی دادرسی با فرض ورود ضرر، و سایر اقداماتی که به طور غیر عمدی و بدون سوءنیت، منتج به ورود خسارت به طرفین دعوا می‌شود تفاوت قائل شویم؛ تا به این ترتیب به طور مطلق داوران مسئول جبران خسارت نباشند. بی‌توجهی به این مهم سبب تضعیف نهاد داور می‌خواهد بود.

از آنجایی که در قوانین موضوعه، اساساً هم موارد جرح داور و هم موارد ابطال رای داور در دادگاه به تفکیک پیش‌بینی شده است، هر یک از اصحاب دعوا که احساس نماید داور اصل بی‌طرفی را رعایت نمی‌کند و ممکن است دچار انحراف گردد و یا رای صادره بنابر دلایلی مغایر با اصول حقوقی و یا قوانین آمره باشد، می‌تواند حسب مورد با تمسک به شیوه‌های فوق نسبت به حفظ حقوق خود اقدام نماید. بنابر این، در مواردی که تمسک به شیوه‌های مذکور به حکم قانون فراهم نشده است نباید با هر بهانه به یکی از طرفین موافقت‌نامه‌ی داور، به صرف تخطی غیر عمدی و مبتنی بر قصور یا تسامح اجازه‌ی طرح دعوی مسئولیت مدنی، علیه داوران داده شود، زیرا مسئولیت داوران نوعی مسئولیت حرفه‌ای است و علاوه بر قواعد عام مسئولیت مدنی، بایست شرایط اختصاصی دیگری هم برای طرح دعوا علیه آنان وجود داشته باشد؛ و در نهایت باید نگاه نوعی نسبت به مفهوم مسئولیت مدنی داوران داشته باشیم و قلمرو و مصادیق آن را متمایز از مسئولیت مدنی عموم افراد جامعه دانست.

منابع

الف: فارسی

۱. ابهری، حمید؛ نوروزی، ناصر، مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲. اسدی نژاد، سیدمحمد، اصول و مبانی مقررات داوری سازمان مالکیت فکری و مقایسه آن با قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: محمد عیسایی تفرشی، ۱۳۸۵.
۳. اشمیتوف، کلايوام، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد ۲، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. ادیب، محمد، وضعیت حقوقی و آثار قراردادهای داوری منعقد بین دولت ایران و شرکت‌های خارجی، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: ربیعا اسکینی، ۱۳۷۹.
۵. اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ قربانی تیسفانی، جواد، «مسئولیت مدنی قاضی»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۶.
۶. امیری قائم‌مقام، عبدالمجید، کلیات حقوق تعهدات و وقایع حقوقی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۷. امیر معزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۹. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۱۰. جلیلودن، یحیی، مسئولیت مدنی قضا و دولت در حقوق ایران، فرانسه و آمریکا، تهران: نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۱. جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۱۲. جنیدی، لعیا، قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۳. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۱۴. خزاعی، حسین، «رای داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌الملل»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳، ۱۳۸۶.
۱۵. خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد ۷، تهران: نشر قانون، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۷. داراب‌پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۸. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۹. شمس، عبدالله، «موافقت‌نامه داوری و صلاحیت دادگاه»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
۲۰. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۳، تهران: نشر دراک، چاپ دهم، ۱۳۸۶.
۲۱. صالحی مازندرانی، محمد، «تاملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ ق اساسی»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۴.
۲۲. صفایی، حسین؛ رحیمی حبیب‌الله، مسئولیت مدنی، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۳. صفایی، حسین، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۴. عاشوری، مرتضی، مسئولیت داور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: حمیدرضا نیکبخت، ۱۳۸۹.
۲۵. علمی، حسین، تحلیل محدودیت‌های اراده در داوری تجاری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: مرتضی شهبازی‌نیا، ۱۳۹۱.
۲۶. قاسم‌زاده، مرتضی، مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
۲۷. قربانی تیسفانی، جواد، مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، استاد راهنما: مرتضی قاسم‌زاده، ۱۳۸۳.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۰.

۳۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - اعمال حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
۳۱. کشکولی، رسول، مبانی ابطال و بطلان آرای داور در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: مرتضی شهبازی نیا، ۱۳۸۷.
۳۲. کلانتریان، مرتضی، بررسی مهم ترین نظام های حقوقی داور در جهان، تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۳۳. کینگز، آتورتی، «داوری تجاری و اصول حاکم بر آن در حقوق انگلیس»، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، مجله حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۶۸.
۳۴. لورسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشری، تهران: نشر حقوقدانان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳۵. نیکبخت، حمیدرضا، «مسئولیت سازمان داور در داور»، مجله پژوهش های حقوقی شهر دانش، ویژه نامه یکصدمین سال تاسیس نهاد داور، ۱۳۷۰.
۳۶. هولتزمن، هوارد، ام، «داوری در ایالات متحده امریکا»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه های حقوقی دانشکده علوم قضایی، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
۳۷. هاوس مینیجر، کریستین، «مسئولیت مدنی داوران»، ترجمه محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوقی، شماره ۱۵ و ۱۴، ۱۳۷۰.
۳۸. واحدی، قدرت الله، بایسته های آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۹. یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

ب: انگلیسی

40. Hwang, Michael, Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation, Martinus Nijhoff Publishers, 2007.
41. Domk, Martin. The Arbitrators Immunity from Liability, 1971, available at: <http://heinonline.org> pp. 99-105.
42. Franck, Susan, the Liability of International Arbitrators & Comparative and Analysis and Proposal for Qualified Immunity, 2000, available at: <http://heine.org>.
43. Mullerat, Ramon, the Liability of Arbitrators: A Survey of Current Practice, International Bar Association, Commission on Arbitration Chicago, 2006.
44. Nolan, Dennis R. and Abrams Royer I., Arbitral Immunity, Industrial Relations Law Journal, Volume 11, No 2, 1989, available at: [heinonline-](http://heinonline.org)

- 228.
45. Folbery, Jay, Arbitration Ethics - Is California the Future, 18. 343. 2002-2003, available at: <http://heinonline.org> pp. 361-390.
46. Guide lines on Conflicts of Interest in International Arbitration, available at: [www.ibanet.org/.../Default? eb 14](http://www.ibanet.org/.../Default?eb=14).

